

ذوالقدر. تهران: آناهیتا.

جناب، محمدعلی. ۱۳۴۹، *خلیج فارس، آشنایی با امارات آن*. تهران: بی نام.
چمنکار، محمدجعفر. ۱۳۸۳، *بحران ظفار و رژیم پهلوی*. تهران: مطالعات تاریخ معاصر ایران.

دلد، اسکندر. ۱۳۶۳، *خلیج فارس*. تهران: نوین.

رائین، اسماعیل. ۱۳۵۶، *دریانوردی ایرانیان*، ج ۲. تهران: جاویدان.
رنس، جرج. ۲۰۰۳، *عمان و الساحل الجنوبي للخليج الفارسی*. القاهرة: مکتبه الثقافه الدينيه.

روت، رودولف سعید. ۱۹۸۳، *سلطنت عمان خلال حکم السيد سعید بن سلطان*. [البصره]: [مرکز دراسات العربی].

سدیدالسلطنه، محمدعلی. ۱۳۷۰، *تاریخ مسقط و عمان، بحرین و قطر و روابط آنها با ایران*. به تصحیح احمد اقتداری. تهران: دنیای کتاب.

طلوعی، محمد. ۱۳۷۲، *فرهنگ جامع سیاسی*. تهران: علم و سخن.

فرامرزی، احمد. ۱۳۸۳، *عمان*. به اهتمام حسن فرامرزی. تهران: همسایه.
فیننزو. ۱۹۸۸، *تاریخ السيد سعید سلطان عمان و معه تاریخ الشعوب و الأنظار علی سواحل الخلیج العربی*. ترجمه محمود فاضل. بیروت: دار العربیه للموسوعات.

قائم مقامی، جهانگیر. ۱۳۴۱، *بحرین و مسائل خلیج فارس*. تهران: طهوری.

کسروی، احمد. ۱۳۲۴، *چند تاریخچه*. تهران: گوتنبرگ.

لین پل، استانیلی [و دیگران]. ۱۳۶۳، *تاریخ دولت های اسلامی و خاندان های حکومتگر*. ترجمه صادق سجادی، ج ۱. تهران: نشر تاریخ ایران.

مجتهدزاده، پیروز. ۱۳۷۹، *خلیج فارس، کشورها و مرزها*. تهران: عطایی.

نشأت، محمدصادق. ۱۳۴۵، *تاریخ سیاسی خلیج فارس*. تهران: کانون کتاب.

یگانه، عباس. ۱۳۷۴، *عمان*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.

Badger, George Percy. 1871, *History of the Imams and Seyyids of Oman by Salil-ibn-Razik from A.D. 661-1856*. London: Hakluyt Society.

Kelly, John Barret. 1968, *Britain and the Persian Gulf*. Oxford: Oxford University Press.

Lorimer, J. G. 1970, *Gazetteer of the Persian Gulf, Oman and Central Arabia*, (Calcutta, 1915) Westmead. England: Gregg International.

Miles, S. B. 1966, *Countries and Tribes of the Persian Gulf*. London: Frank Cass.

Phillips, Wendell. 1967, *Oman: A History*. London: Longmans.

Saldanha, Jerome A. 1986, *The Persian Gulf Précis*, vol II. Buckinghamshire: Archive Edition.

Wilson, Arnold. 1956, *The Persian Gulf: an Historical Sketch From the Earliest time to the Beginning of the Twentieth Century*. London: Geogre Allen.

لیلا مولایی

آل بویه / Al Buye

سلسله شیعه مذهب و ایرانی نژاد حاکم بر سرزمین های پیرامونی خلیج فارس در قرون چهارم و پنجم ه. ق.

علی، پسر بویه، بنیادگذار سلسله مشهور آل بویه است. بویه، پدر علی، از اهالی روستای کیاکلیش (مستوفی، ۱۳۶۴: ۴۰۹) در ناحیه دیلم گیلان بود (فقیهی، ۱۳۶۶: ۳۸-۴۰). علی در

قابوس بن سعید (حک. ۱۳۹۰ ق./ ۱۹۷۰ م. تاکنون)

وی در ۱۳۵۹ ق./ ۱۹۴۰ م به دنیا آمده و در ۱۶ سالگی برای کسب آموزش های علمی و نظامی به لندن فرستاده شد. از ۱۳۷۸ ق./ ۱۹۵۸ م، مشاور پدر بود و پس از کودتا با همراهی عمویش، طارق بن تیمور در مقام نخست وزیر، تلاش خود را جهت خارج کردن عمان از چهار دهه انزوای سیاسی-اقتصادی آغاز کرد. اوج بحران دوره حکومت سلطان قابوس رویارویی نظامی با چریک های جدایی طلب مارکسیست منطقه ظفار در جنوب عمان بود که از دوره پدرش (۱۳۸۲ ق./ ۱۹۶۲ م.) آغاز شده و تا ۱۳۵۹ ق./ ۱۹۷۵ م. به طول انجامید و سرانجام با حمایت نظامی و مالی ایران، امارات عربی متحده و عربستان و البته پشتیبانی انگلستان و امریکا سرکوب شد (همو، همان جا؛ یگانه، همان: ۷۸-۷۷؛ چمنکار، همان: ۳۹۸-۳۵۵). وی عمان را در ۱۳۹۱ ق./ ۱۹۷۱ م به عضویت سازمان ملل متحد درآورد و در ۱۴۰۶ ق./ ۱۹۸۵ م. وارد شورای همکاری خلیج (فارس) شد. سیاست خود در صحنه خارجی را بی طرفی و نداشتن موضع در مسائل منطقه ای و جهانی اعلام کرد و با حفظ روابط دوستانه با کشورهای منطقه از جمله ایران، با امضای موافقت نامه ده ساله نظامی با امریکا در ۱۳۵۹ ش./ ۱۹۸۰ م، چندین بندر و پایگاه در اختیار این کشور قرار داد و در مقابل از مساعدت های امریکا بهره مند شد. این همکاری هنوز ادامه دارد (یگانه، همان: ۸۰ و ۹۲).

کتاب شناسی

ابن رزیک، حمید. ۱۹۹۵، *الفتح المبین فی سیره السادة البوسعیدین، عرض و دراسة عبدالله محمد جمال الدین*. عمان: الموسوعة المسيرة للتراث العانی.

الازکوی، سرحان بن سعید. ۲۰۰۵، *تاریخ عمان- المقتبس من کتاب کشف القمّة الجامع الاخبار الامه*. تحقیق عبدالمجید حبیب القیسی. عمان: وزارة التراث القومي و الثقافة.

اقبال آشتیانی، عباس. ۱۳۲۸، *مطالعانی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس*. تهران: مجلس.

اوتر، ژان. ۱۳۶۳، *سفرنامه ژان اوتر*. ترجمه علی اقبالی. تهران: جاویدان.
الحارثی، محمد بن عبدالله. ۲۰۰۷، *موسوعة عمان: الوثائق الشریه*، ج ۱. بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیه.

السیابی، سالم. ۲۰۰۱، *عمان عبر التاريخ*، ج ۴. مسقط: وزارة التراث و الثقافة.

الشیخ، رأفت غنیمی. ۱۹۸۳، *صلات العمان بالولايات المتحدة الامریکیه: خلال فترة حکم السيد سعید بن سلطان*. سلطنت عمان: وزارة التراث القومي و الثقافة.

القاسمی، سلطان بن محمد. ۱۹۸۹، *تقسیم الامپراطوریه العمانیه (۱۸۶۲-۱۸۵۶)*. دبی: مؤسسه البیان.

المغیری، شیخ سعید بن علی. ۲۰۰۱، *جهینه الأخبار فی تاریخ زنجبار*. عمان: وزارة التراث القومي.

باسورث، کلیفورد ادموند. ۱۳۸۱، *سلسله های اسلامی جدید، راهنمای گاه شماری و تبارشناسی*. ترجمه فریدون بدره ای. تهران: باز.

بلگریو، چارلز وال دیمل. ۱۳۶۹، *ساحل دزدان دریایی*. ترجمه حسین

حدود ۲۷۸ ق. به دنیا آمد و از جوانی در لشکر امیرنصر سامانی (حک. ۳۰۱-۳۳۱ ق.) به خدمت پرداخت. سپس همراه دو برادرش، حسن و احمد، از فرماندهان تحت فرمان ماکان کاکای شد (فرای، ۱۳۶۳: ۲۲۰). در ۳۱۶ ق. سه برادر به سپاه مردآویج بن زیار- فرمانده شورشیان ضد علویان و مؤسس آل زیار- پیوستند (ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۴۷۶۷-۴۷۵۰). علی ازسوی مردآویج به حکومت کرج/ کره، نزدیک اراک کنونی، گماشته شد. اما به زودی میان آنان به تیرگی گرایید و علی به سوی اصفهان و سپس به ارجان فارس رفت و با همکاری یکی از بزرگان محلی، شیراز را در ۳۲۲ ق. از دست خلیفه عباسی خارج و منشور حکومت فارس را از خلیفه، راضی بالله ۳۲۹-۳۲۲ ق.، دریافت کرد. وی برای جلوگیری از درگیری با مردآویج برادر خود، حسن، را به عنوان گروگان به دربار او فرستاد (همان: ۴۸۴۵-۴۸۲۷).

علی با مرگ مردآویج در ۳۲۳ ق. در حکومت فارس استقلال یافت (فرای، همان: ۲۲۳-۲۲۲) و ولایت اصفهان و کرمان را به طور موقت به دست آورد. در ۳۲۴ ق.، ابو عبدالله بریدی، حاکم خوزستان که در مبارزه با دستگاه خلافت عباسی بود، از راه دریا به فارس آمده و به علی بن بویه پناهنده شد (همان). وی متعهد شد در ازای دریافت کمک نظامی از علی بویه، بخش‌هایی از عراق را به نام او تصرف و همچنین خراج اهواز را برای وی ارسال کند. علی بویه برادرش احمد را همراه با سپاهی به یاری ابو عبدالله بریدی فرستاد (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۴۶۸-۴۶۷). احمد بویه و ابو عبدالله بریدی در ۳۲۶ ق. اهواز و مناطق شمالی خلیج فارس را به تصرف درآوردند (همان: ۵۰۱-۴۹۴). سپس در ۳۳۴ ق. بغداد را گرفتند و خلیفه را تحت نفوذ شیراز درآوردند (ابن اثیر، همان: ۴۹۹۲). خلیفه نیز دستور داد که القاب و کینیت ایشان [آل بویه] بر سکه‌های دینار و درم زده شود (ابن مسکویه، همان: ۱۱۹).

علی بویه از آغاز فرمانروایی بر فارس به صورت طبیعی بر بخش‌هایی عمده از خلیج فارس و جزایری سیطره داشت که تابع ایالت بزرگ فارس بودند. به نظر می‌رسد انگیزه اصلی علی بویه در اعزام برادرش احمد برای فتح ایالت کرمان که تا تنگه هرمز امتداد داشت، علاوه بر گسترش قلمرو آل بویه، چیرگی بر تنگه هرمز به عنوان دروازه خلیج فارس بوده است. فتح عمان را نیز می‌توان دلیلی بر این انگیزه دانست. در صورت تصرف کامل ایالت کرمان و سلطه بر تنگه هرمز، نه تنها امنیت خلیج فارس و جزایر آن و نیز نواحی ساحلی ایالت فارس تأمین می‌شد بلکه درآمد ناشی از دریافت حق عبور از کشتی‌های تجاری، قدرت اقتصادی آل بویه را به صورتی چشمگیر افزایش می‌داد. هرچند احمد بویه در مأموریت خویش برای فتح کرمان توفیق کامل نیافت، اما با تصرف خوزستان و سلطه بر بخش‌های ساحلی آن ولایت، که در مجاورت خلیج فارس قرار داشتند، قلمرو آبی آل بویه را گسترده‌تر کرد.

معزالدوله احمد، که با فتح بغداد افتخار سیاسی و نظامی

بسیار ارزنده برای آل بویه به دست آورده بود، با تصرف سرزمین عمان در اعتلای قدرت آن سلسله نقشی ویژه داشت. یوسف بن وجیه، حاکم عمان، در ۳۲۰ و ۳۴۱ ق. به بصره یورش برد (همان: ۱۸۶-۱۸۴) این موضوع بهانه‌ای به دست معزالدوله داد تا به عمان لشکرکشی کند. وی ابتدا در ۳۵۲ ق. سپاهی به فرماندهی ابومحمد مهلبی، وزیر خویش، به عمان فرستاد که با مرگ مهلبی به جایی نرسید (همان: ۲۴۷-۲۴۵). در ۳۵۴ ق. کردک‌نقیب به عمان رهسپار شد و موفق شد نافع، جانشین یوسف، را به پذیرش تابعیت شیراز- بغداد وادار کند، به فرمان معزالدوله گردن نهد و خطبه به نام او خواند و نامش بر سکه درم و دینار گذارد (همان: ۲۶۶-۲۶۵). اما به زودی اهالی عمان نافع را از آن سرزمین بیرون کردند. در ۳۵۵ ق. معزالدوله برای فتح عمان به گردآوری سزوبرگ جنگ دریایی پرداخت. به دستور وی یکصد کشتی برای حمل سپاهیان ترک و دیلمی به مقصد عمان، به فرماندهی ابوالفرج محمد بن عباس، آماده و به عمان اعزام شدند (همان: ۲۷۰-۲۶۸). ازسوی دیگر، امیر عضدالدوله فرزند حسن و جانشین علی در شیراز (ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۵۰۲۴-۵۰۲۳)، هنگامی که سپاه معزالدوله به سیراف- مهم‌ترین بندر ایالت فارس که در ساحل شمالی خلیج فارس قرار داشت- رسید، نیروی دریایی خود را به یاری آنان فرستاد (ابن مسکویه، همان: ۲۷۰). بدین ترتیب، ابوالفرج محمد با سپاهیان توانمند عمان را فتح کرد و در آنجا به نام معزالدوله خطبه خواند (ابن اثیر، همان: ۵۱۰۸).

پس از تسلط او بر عمان، آل بویه بخش‌هایی بزرگ از کرانه‌های جنوبی خلیج فارس و تنگه هرمز و قسمتی از دریای عمان را در اختیار گرفتند. معزالدوله در ربیع‌الآخر ۳۵۶ ق. درگذشت و فرزندش عزالدوله بختیار به جای وی بر تخت نشست و ابوالفرج محمد پس از آگاهی از مرگ معزالدوله امور حکومت عمان را به نمایندگان امیر عضدالدوله سپرد و خود به سوی بغداد رهسپار شد (ابن مسکویه، همان: ۲۹۱-۲۸۴). عضدالدوله، که از اهمیت تجاری کرمان به خوبی آگاهی داشت، در ۳۵۷ ق. آن ایالت را به تصرف درآورد (همان: ۳۰۹-۳۰۴). عابد بن علی، فرمانده عضدالدوله، به [بندر] هرمز رسید و آنجا را زیر فرمان گرفت و بر سرزمین‌های تیز و مکران نیز چیره گشت و قبایل حرومیه و حاسکیه را که در دریا و خشکی راه می‌زدند سرکوب کرد (ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۵۱۵۲-۵۱۵۱). این پیروزی برای عضدالدوله اهمیت فراوان داشت. زیرا در اختیار داشتن سرزمین عمان در سواحل جنوبی دریای عمان و تصرف مکران در جنوب بلوچستان در ساحل شمالی دریای عمان و تیز/ تیس یکی از بندرگاه‌های آن موجب چیرگی کامل وی بر دریای عمان شد. به نوشته مقدسی علاوه بر عمان، در یمن و سرزمین سند نیز به نام عضدالدوله خطبه می‌خواندند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۶۹). چیرگی کامل عضدالدوله بر سرزمین‌های دو سوی خلیج فارس و دریای عمان موجب شد تا او با اقتدار دریای عمان و خلیج فارس را به زیر فرمان گیرد. عضدالدوله با برقراری امنیت در پهنه وسیع آبی

مستوفی، حمدالله بن ابی بکر. ۱۳۶۴، تاریخ گزیده. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر.

مقدسی، محمدبن احمد. ۱۳۶۱، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم. ترجمه علینقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

سید ابوالقاسم فروزانی

آل ثانی / Āl Thāni

خاندان حاکم بر کشور قطر از حدود ۲۰۰ سال قبل تاکنون، و تأثیرگذار بر تحولات منطقه خلیج فارس.

آل ثانی از اخلاف ثانی بن محمد از شیوخ عتوبی هستند که در اواسط قرن سیزدهم هجری قمری در شبه جزیره قطر مستقر شدند. آل ثانی به تیره معازید، یکی از شاخه‌های قبیله بنی تمیم، منصوب است (حمزه، ۱۳۸۸ق: ۱۴۰). این خاندان با محمد عبدالوهاب جد مشترک دارند. عمر بن مداد دوازدهمین جد ثانی بن محمد است که همراه با دیگر شاخه‌های بنی تمیم در شرق نجد ساکن بودند. این قبیله در قرن یازدهم قمری در آبادی عشیقر در وادی الوثم - بخش شرقی نجد - ساکن بودند. اما در اوایل قرن دوازدهم قمری، به جنوب غرب شبه جزیره قطر و به منطقه‌ای مشهور به وادی یثرب مهاجرت کردند. آنان پس از مدتی سکونت در این منطقه، در اثر منازعه با دیگر قبایل اطراف، به منطقه السکک و رباله نقل مکان کردند که هر دو در شبه جزیره قطر قرار دارند. (Abu Nab, 1977: 84-86).

از این خاندان در دوره پرتلاطم قرن دوازدهم هجری قمری یعنی، دوره نفوذ انگلستان در سواحل جنوبی خلیج فارس و ضعف روزافزون ایران و عثمانی اطلاعاتی دقیق در دست نیست. در دهه‌های آغازین قرن نوزدهم میلادی، به سبب پذیرش وهابیت با آل خلیفه از در دشمنی درآمدند و با سیاست‌های آل سعود در احساء و سواحل شمالی خلیج فارس همراه شدند. اگرچه سقوط دزغیه به دست ترک‌ها و تحولات داخلی نجد تغییراتی را در روابط آنان با خاندان سعود به وجود آورد (Ibid).

با مرگ محمدعلی پاشا و تسلط وهابیون بر نجد در ۱۲۵۹ق. / ۱۸۴۳م، نخستین نشانه‌های قدرت‌یابی آل ثانی در شبه جزیره قطر نمایان شد (غرایبه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۶۹-۳۷۷). محمدبن ثانی با مرگ پدر در ۱۲۷۵ق. / ۱۸۵۹م. ریاست قبیله معازید را برعهده گرفت و در ۱۸۴۳م. به اطاعت امیر نجد گردن نهاد. درحالی‌که آل خلیفه همچنان به دشمنی با امیر نجد ادامه دادند (قدوره، ۱۴۰۵: ۹۵). همین مسئله یکی از تعیین‌کننده‌ترین عوامل در روابط آل خلیفه و آل ثانی در دهه‌های بعد بود. محمد در ۱۲۷۵ق. / ۱۸۵۹م. وهابیون را واداشت تا به فتح بحرین اقدام کنند (قائم مقامی، ۱۳۴۱: ۳۰-۲۸). در نتیجه، این مسئله دوره‌ای طولانی از منازعات آل خلیفه و آل ثانی را به همراه داشت. در ۱۲۸۲ق. / ۱۸۶۵م. درگیری میان دو طرف بالا گرفت که با مداخله شیخ خلیفه بن شخبوط - حاکم ابوظبی - به شکست آل ثانی انجامید (زرین قلم،

قلمرو خود، تجارت دریایی آنجا را تحت نظارت خویش درآورد و از محل دریافت حق عبور از کشتی‌های تجاری و همچنین از محل حقوق گمرکی بنادر سیراف و مهربان و عمان درآمدی سرشار کسب کرد. (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۴۰۱). ابن حوقل درباره قدرت بی‌رقیب آل بویه در حوزه گسترده آبی جنوب ایران اطلاعاتی ارزشمند عرضه کرده است. او اشاره کرده که فرمانروایان فارس (آل بویه) به همه کرانه‌های دور و نزدیک این دریا مسلط هستند و در همه بلاد دیگر، کشتی‌هایی که در دریای فارس حرکت می‌کنند و از حدود مملکت خود خارج می‌شوند و با جلال و مصونیت برمی‌گردند، همه متعلق به فارس هستند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۴۶).

بندر سیراف در زمان عضدالدوله بندری تجاری، بسیار مشهور، زیبا و باشکوه بوده است که مردمش ثروت فراوان داشتند (مقدسی، همان: ۶۵۲-۶۳۶). برای نمونه، یکی از اهالی بسیار ثروتمند آنجا علاوه بر مالکیت بسیاری از کشتی‌هایی که میان ایران، چین، هند و زنگبار تردد داشتند، در برخی دیگر نیز سهمیم بود (فقیهی، همان: ۴۳۳). خلاصه آنکه بندر سیراف در دوره فرمانروایی آل بویه در تجارت بین‌المللی مقامی برجسته داشت. هرچند، از میان رفتن ثبات سیاسی در قلمرو آل بویه پس از عضدالدوله بر فعالیت‌های بازرگانی و پیشرفت اقتصادی آنجا اثر نامساعد داشت، با این‌همه از تأثیر رونق عهد عضدالدوله در پایان این دوره هنوز نشانه‌هایی داشت (زرین کوب، ۱۳۶۷: ۵۱۴-۵۱۳). سلسله آل بویه تا اواخر حکومت خویش بر بخش‌هایی بزرگ از خلیج فارس چیره بود. فرمانروایان آن سلسله از محل تجارت در بندر سیراف درآمد بسیار داشتند و تا آخر روزگار دیلم هم برین جملت بود و تنها پس از آل بویه، سیراف موقعیت تجاری خود را از دست داد و آن دخل، کی سیراف را می‌بود، بریده گشت (ابن بلخی، همان: ۳۳۰-۳۲۸).

کتاب‌شناسی

- ابن اثیر، علی بن محمد. ۱۳۸۲، تاریخ کامل. ترجمه حسین روحانی و حمیدرضا آذیر، ج ۱۱. تهران: اساطیر.
- _____. ۱۳۸۳، تاریخ کامل. ترجمه حسین روحانی و حمیدرضا آذیر، ج ۱۲. تهران: اساطیر.
- ابن بلخی. ۱۳۷۴، فارسنامه ابن بلخی. با توضیح و تحشیه منصور رستگار فسایی. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- ابن حوقل. ۱۳۶۶، سفرنامه ابن حوقل (ایران در صوره‌الارض). ترجمه و توضیح جعفر شعار. تهران: امیرکبیر.
- ابن مسکویه، احمدبن محمد. ۱۳۷۶، تجارب الامم. ترجمه علینقی منزوی، ج ۵ و ۶. تهران: توس.
- زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۶۷، تاریخ مردم ایران از پایان ساسانیان تا پایان آل بویه. تهران: امیرکبیر.
- فرای، ریچارد نلسون (گردآورنده). ۱۳۶۳، تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.
- فقیهی، علی اصغر. ۱۳۶۶، آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه با نمونه‌ای از زندگی جامعه اسلامی در قرن‌های چهارم و پنجم. تهران: صبا.